

پیشینه ادبیات

اوستا و پهلوی

دریک بررسی کوتاه تاریخی

از

اردشیر خدادادیان

(دکتر درایرانشناسی)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز تحقیقات و انتشارات
پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر کاہنشاہ مدرسہ اہلبیہ فیہ

پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پیشینه ادبیات اوستا و پهلوی

دریک بررسی کوتاه تاریخی

وهاب گمانبشاه مدرسه کهنه قم

زبان پهلوی زمان ساسانیان را باید به جرات دنباله زبان پارتی زمان اشکانیان دانست. واژه ساسانی «پهلو» چیزی جز واژه اشکانی «پارتاو» نیست، از اینرو زبان پهلوی نوع تکامل یافته زبان پارتی است.^۱

پیشینه جمع آوری، پرورش، گسترش و تکمیل نوشته‌های اوستایی را نیز باید بی‌تردید متعلق به زمان اشکانیان، به‌ویژه محصول تلاش‌های بلاش اول شاهنشاه اشکانی (۵۲ - ۸۰ میلادی) دانست که در نوشته‌های پهلوی به‌ویژه دینکرد به صورت «ولخش» ذکر شده است.^۲

برخی از پژوهشگران مغربزمین جمع‌آوری و نونگاری باقیمانده‌های اوستا را به بلاش سوم پادشاه اشکانی (۱۴۸-۱۹۱-)

1— Mayrhofer : HB. S. 14 .

2— Hinz: Zarathustra, S. 14 .

میلادی) نسبت می‌دهند.^۳

سامان دادن به نوشته‌های اوستایی و حرمت به آداب و رسوم پیشین در زمان اشکانیان موقتی بود، زیرا متأسفانه همه شاهنشاهان اشکانی در این کار بزرگ شرکت نداشتند و در نوشته‌های پهلوی از آنان در این خصوص نامی برده نمی‌شود. در طی دوران زمامداری پارتها - اشکانیان (از ۲۵۰ پیش از میلاد تا ۲۲۶ پس از میلاد)، جمع‌آوری اوستا و پرورش این میراث پر ارزش به گونه‌ای نامداوم رواج داشت و از اینرو وجود مجموعه کاملی از آثار اوستایی در زمان اشکانیان، گرچه ثابت کردن آن دشوار به نظر می‌رسد، واقعیتی انکار ناپذیر است.^۴

تحقیقات جامع و گسترده‌ای در این زمینه نمایانگر این است، که در زمان فرهاد پنجم (از ۲ پیش از میلاد - ۴ پس از میلاد مسیح) که به فرهاتک معروف است، نگارش و نندیداد و تیرنگستان در سالهای یکم و دوم میلادی بطور کامل پایان یافته است.^۵

ظهور مانی، مکتب مانویت و تبلیغات ضد زردشتی مانی و مانویان:

مانی که به مانی نقاش نیز معروف است در زمان شاهنشاهی اردوان پنجم (۷۷۲ - ۷۸۵ شاهنشاهی = ۲۱۳ - ۲۲۶ میلادی) آخرین پادشاه اشکانی، در سال ۷۷۵ شاهنشاهی (۲۱۶ میلادی) متولد شد.^۶

قیام مانی که ما آنرا آغازکار مکتب مانویت می‌دانیم در سال

3— Vologeses III, Barr: HB. S. 299, Anm.

4— Barr: HB. S. 301 + Colpe: Parther, S. 1011.

5— Colpe: WBM. S. 174.

6— Spangenberg: G. Z. N., S. 27 + 241.

۸۰۰ شاهنشاهی (۲۴۱ میلادی) یعنی هنگامیکه مانی ۲۵ ساله بود، اتفاق افتاد و این سال با آغاز شاهنشاهی شاپور اول مقارن است. شاپور اول (۸۰۰-۸۳۱ شاهنشاهی = ۲۴۱-۲۷۲ میلادی) در کشورداری خود سیاستی را که با دین آمیخته بود و درحقیقت دو عنصر لازم و ملزوم یکدیگر بودند، اعمال می کرد.^۷

مانی به هنگام تاجگذاری شاپور کتابی بنام «شاپورکان» که خود در مدح شاهنشاه نوشته بود، تقدیم شاه کرد و شاپور چنان تحت تأثیر قرار گرفت که به مانی میدان فعالیت در زمینه اشاعه مکتب او را داد. شاپور نه تنها از مانی حمایت می کرد، بلکه به زروانیت نیز کمکهای شایانی نمود، که در مجموع موجب تضعیف آیین زرتشت شدند.^۸

با آنکه مکتب مانی در حد گسترده ای از اندیشه ها و فلسفه زرتشت مایه گرفته بود، معذک مانی می کوشید تا مکتب زرتشت را چنان جلوه دهد، که حتی شاهنشاه ساسانی را به پیروی از مانی ناگزیر نماید.

در یک نوشته مانوی که به زبان «قبطی» نگاشته شده و به نوشته «کیالایا» معروف است، از زبان مانی درباره زرتشت چنین آمده است:

«زرادس» به نزد شاه «هیستاسپس» اوستایی «ویشتاسپا» رفت و شاگردان و پیروان مجاهد و راستین یافت و در ایران موعظه می کرد، ولی کتابی ننوشت، اما شاگردان او بیانات او را به خاطر سپردند و از آنها کتابهایی نوشتند که پیروان زرتشت امروز آنها را می خوانند^۹

7— Colpe: WBM. S. 174.

۸— پیرنیا: «ایران باستان»، ص ۱۸۷ بیات: کلیات تاریخ و تمدن، ص ۲۱۸-۲۲۶

9— Barr: HB. S. 301

اظهارات مانی گرچه تا حدودی غیرقابل قبول است، ولی
مبین این واقعیت است که پس از مرگ زرتشت، بیانات و
اندیشه‌های او به رشته تحریر درآمده است. متن جغرافیای
تاریخی ایران که به زبان پهلوی است و «شهرستانهای ایران» نام
دارد چنین به آگاهی می‌رساند:

(پس زرتشت دین آورد. هژیرمان ی وشتاسپ شه هزار و دو
ست پرگرت پت دین دیپوری پت تختکی ی زرین کند ات نپشت ات
پت گنج ی هان آتش نیمهات. ات پس (سپس) گجستک سوکندر سوخت
ات اندر اوی دریاپ افگنت).

یعنی:

سپس زرتشت دین آورد و به فرمان شاه گشتاسب ۱۲۰۰ فرگرد
به نویسه (خط) دین دبیره برتخته‌های زرین کند و نگاشت و به
گنجینه آن آتشگاه نهاد. و سپس اسکندر نفرین شده آنرا سوزاند و
به دریا افکند (ریخت).^{۱۰}

بازگردیم به زبان پهلوی که نباید آنرا زبانی پنداشت که
در طی تاریخ از زمان ساسانیان تا کنون وقفه‌ای در نوشتن آن وجود
داشته است. اینجا باید بگوییم که در پرورش و نوشتن پهلوی
خلل وجود داشته اما خلأی از نظر زمان در آن نبوده است.

از زمان ساسانیان تا آغاز سده شانزدهم شاهنشاهی (اواسط
سده دهم میلادی) ایرانیان بلاانقطاع به تألیف و نونگاری نوشته‌های
پهلوی مشغول بوده‌اند و رابطه میان زبان پهلوی و اوستایی
پیوسته حفظ شده است.^{۱۱}

پارسیان مقیم هندوستان حتی در سده‌های ۲۰ تا ۲۳ شاهنشاهی

10— Nyberg: A Manual of Pahlavi, P. 113.

11— Barr: HB. S. 283.

(۱۴ تا ۱۷ میلادی) به تألیف آثاری مانند روایت دستور داراب هرمزدیار، اندرزنامه‌ها و برخی دیگر از متن‌های کوتاه پهلوی پرداخته‌اند.^{۱۲}

این روایت در هندوستان به چاپ رسیده و چگونگی به وجود آمدن آن بدینقرار است:

آندسته از پیروان آیین زرتشت که پس از حمله اعراب به هندوستان رفته و در آنجا مقیم شدند و امروز به پارسیان معروفند، آگاهیهای خویش را درباره آداب و آیین و مراسم مذهبی حفظ کرده و بعدها توانستند در اینگونه موارد به هم‌کیشان خود که در ایران مانده بودند و قسمت اعظم اطلاعات مذهبی خود را فراموش کرده بودند، یاری دهند. اینگونه اطلاعات اصولاً درباره مراسم سوگواری، کفن و دفن مردگان، گهنبارها، جشنهای کوچک و بزرگ، مراسم عروسی و... است. زرتشتیان مقیم ایران به وسیله نامه از پارسیان مقیم هندوستان پرسشهایی در این خصوص می‌کردند و پارسیان به استناد سنن باستانی که هنوز تا حدود قابل ملاحظه‌ای در میان آنها معمول است و نیز به یاری نوشته‌هایی مانند وندیداد، سدر و شایست نشایست و روایت پهلوی و آگاهیهای روحانیون صاحب‌نظر، به این پرسشها پاسخهایی می‌دادند. مجموعه این پرسشها و پاسخها در کتابی تحت عنوان «روایت» به زبان انگلیسی به نام «روایت دستور داراب هرمزدیار» و بعدها به فارسی تحت عنوان «روایت پارسی» به کوشش دستور «دایم» در سال ۲۴۸۱ شاهنشاهی (۱۹۳۲ میلادی) در بمبئی به چاپ رسید. این مجموعه پر ارزش در سراسر جهان مورد بهره‌گیری دانشمندان ایران‌شناس و محققین علوم دینی خاور زمین است.^{۱۳}

12— Boyce: HB. S. 359—372.

13— Boyce: HB. S. 371 Anm.

بازگردیم به زبان پهلوی و نوشته‌های آن از زمان ساسانیان تاکنون :

در زمان اردشیر بابکان (۷۸۵-۸۰۰ شاهنشاهی=۲۲۶-۲۴۱ میلادی) تنسر روحانی پرتلاش زمان اردشیر به جمع‌آوری و نونگاری نوشته‌های دینی همت گماشت .

شرح پیروزی شاپور اول پسر اردشیر بابکان در کتیبه‌ای به نام کتیبه پیروزی شاپور بر رومیها تحت عنوان اروپایی (Res Gestae Divi Saporis) در سال ۸۱۹ شاهنشاهی (۲۶۰ میلادی) در کعبه زرتشت منعکس است.^{۱۴}

در زمان بهرام اول (۸۳۲-۸۳۵ شاهنشاهی=۲۷۳-۲۷۶ میلادی) کتیبه معروف کرتیر نگاشته شد.^{۱۵}

پس از قتل مانی که در سال ۸۳۵ شاهنشاهی (۲۷۶ میلادی) در زمان بهرام دوم (۸۳۵-۸۵۲ شاهنشاهی (۲۷۶-۲۹۳ میلادی) روی داد^{۱۶}، باردیگر تلاشی پی‌گیر در زمینه پیشبرد نوشته‌های اوستایی و پهلوی آغاز شد و گنجینه ادبیات مزدیسنا دوباره سامان و رونق گرفت .

در زمان نرسی (۸۵۲-۸۶۱ شاهنشاهی=۲۹۳-۳۰۲ میلادی) کتیبه «پایکولی» در سال ۸۵۲ شاهنشاهی (۲۹۳ میلادی) نوشته شد. در سال ۸۵۶ شاهنشاهی (۲۹۷ میلادی) یعنی در چهارمین سال شاهنشاهی نرسی در سرزمین روم اقدامات دامنه‌داری علیه مکتب مانویت به وقوع پیوست. این اقدامات به اقدامات «دیوکتینی»

14— Colpe: WBM. S. 175 .

15— Colpe : WBM. S. 175.

۱۶- بهرام دوم فرمان داد تا مانی را زنده پوست کنند و جلد او را باکاه و علوفه خشک پر کرده و بر دروازه شهر گندیشاپور برای مشاهده عام آویختند - پیرنیا : ایران باستان ص ۱۸۷ .

معروفست و در زمان دیوکلتیان امپراتور روم (۸۰۷-۸۶۴ شاهنشاهی=۲۴۸-۳۰۵ میلادی) بوقوع پیوسته است.^{۱۷} در سالهای ۸۷۱ و ۸۷۲ شاهنشاهی (۳۱۲ و ۳۱۳ میلادی) که مقارن بانخستین سالهای سلطنت شاپور دوم (ذوالاکتاف ۸۶۸-۹۳۸ شاهنشاهی=۳۰۹-۳۷۹ میلادی) است نوشته‌ها و یا به اصطلاح نامه‌های قدیمی به زبان سغدی نوشته شد.

ظهور آذرباد مهرانسپندان در زمان شاپور دوم آغاز دیگری در پیشرفت نوشته‌های پهلوی بود. آذرباد (آذرباد) پسر مهرانسپند که به مؤلف مجموعه‌های اندرزنامه‌ها (پندنامه‌ها) معروف است، به جمع آوری و نونگاری اوستا و بسیاری از نوشته‌های پهلوی پرداخت و برای ثبوت درستی کار خویش وصحت محتوای نوشته‌های اوستایی اجازه داد که سرب‌گداخته را بر روی سینه عریان او بریزند و جان سالم به دربرد و روایت است که هیچگونه آسیبی به او وارد نیامده است.^{۱۸}

پس از سالهای ۹۳۰ و ۹۳۱ شاهنشاهی (۳۷۱ و ۳۷۲ میلادی) زرتشت پسر آذرباد پندنامه‌ای تحت عنوان :

Citak Handarz i Pouryutkesan , Pand—Namak i Zartust

که به پندنامه زرتشت معروف است نوشت.^{۱۹} پیشرفت ادبیات پهلوی به پشتیبانی آذرباد پور زرتشت یعنی نوه آذرباد مهرانسپندان در زمان یزدگرد اول که از ۹۵۸ تا ۹۸۰ شاهنشاهی (۳۹۹ تا ۴۲۱ میلادی) شاهنشاه ساسانی بود کماکان تقویت می‌شد، ولی مهرانرسی که به «وزیر مهرانرسی» معروف است در آن زمان

17— Colpe : WBM. S. 175

18— Hinz : Zarathustra, S. 17

19— Nyberg ; A Manual of Pahlavi, P. 62—67

به تبلیغ و اشاعه زروائیت پرداخت و این روش تا زمان یزدگرد دوم (۹۹۸-۱۰۱۶ شاهنشاهی = ۴۳۹-۴۵۷ میلادی) ادامه داشت.^{۲۰}

باجنبش مزدک پسر بامداد در زمان قباد پور پیروز (کوات پیروژان ۱۰۴۷-۱۰۹۰ شاهنشاهی = ۴۸۸-۵۳۱ میلادی) بار دیگر پیشرفت در زمینه‌های مختلف ادبیات ایران باستان رو به ضعف نهاد و گرویدن قباد به مکتب مزدک و میدان دادن به مزدک برای فعالیت و تقویت کردن مکتب خود، تابسامانی و آشفتگی برگنجینه نوشته‌های پهلوی سایه افکند و بی توجهی شاه نسبت به آیین زرتشت و پیروان این آیین روز بروز فزونی می‌یافت.^{۲۱}

در زمان خسرو اول معروف به انوشیروان پور قباد (خسرو کواتان ۱۰۹۰-۱۱۳۸ شاهنشاهی = ۵۳۱-۵۷۹ میلادی) زرتشتیگری دوباره احیاء شد (Endgültige Reform des Zoroastrismus)^{۲۲}

در زمان انوشیروان ترجمه پهلوی از متن‌های اوستایی مانند یسناها (ودر قالب آنها گائاهها) و برخی ازیشتها و وندیداد و نیرنگستان به پایان رسید. در این باره نوشته پهلوی دینکرد (کتاب ۹۷) به تفصیل به ما آگاهی می‌دهد.^{۲۳}

در زمان خسرو عادل تقسیم‌بندی اوستا به ۲۱ نساک و استقرار آنها در کانون معتبری تحت سرپرستی یک روحانی به نام «ویشاپور» تحقق یافت.^{۲۴}

نوشته پهلوی «مینوخرد» و نامه «تنسر» در پایان شاهنشاهی

20— Colpe : WBM. S. 175

21— Colpe : WBM. S. 176

22— Colpe : WBM. S. 176

23— Colpe : WBM. S. 176

24— Colpe : WBM. S. 176

انوشیروان نگاشته آمد . ۲۵

در زمان هرمز چهارم (۱۱۳۸-۱۱۴۹ شاهنشاهی = ۵۷۹-۵۹۰ میلادی) و بهرام چوبین (بهرام ششم ۱۱۴۹-۱۱۵۰ شاهنشاهی = ۵۹۰-۵۹۱ میلادی) کتاب ششم دینکرد و مجموعه های دیگری از پندنامه ها و اندرزنامه ها به رشته تحریر درآمد.

نوشته معروف و ارزشمند «مادگان هزار دادستان» که به قول پروفیسور بارتولومه کتاب قانون زمان ساسانیان است در زمان خسرو دوم ملقب به پرویز (۱۱۴۹-۱۱۸۷ شاهنشاهی ۵۹۰-۶۲۸ میلادی) تألیف شد. ۲۶

در زمان هرمز پنجم (۱۱۸۹-۱۱۹۱ شاهنشاهی = ۶۳۰ - ۶۳۲ میلادی) و یزدگرد سوم آخرین شاهنشاه ساسانی (۱۱۹۱ - ۱۲۱۰ شاهنشاهی = ۶۳۲ - ۶۵۱ میلادی) نوشته پیراهمیت «خداینامه» و کارنامه اردشیر بابکان بنیانگذار شاهنشاهی ساسانی نوشته شد. ۲۷

نوشته پهلوی کارنامه اردشیر بابکان هنوز موجود است ولی خداینامه از میان رفته است. خداینامه توسط ابن مقفع در سال ۱۳۱۸ شاهنشاهی (۷۵۹ میلادی) به عربی ترجمه شده و ترجمه عربی واصل آن از بین رفته است. در سالهای (۱۵۱۶ و ۱۵۱۷ شاهنشاهی ۹۵۷ و ۹۵۸ میلادی) چهارتن از پیروان زرتشت خداینامه را به فرمان یکی از بزرگان در شهر توس با استفاده و گنجاندن منابع و نوشته های دیگر پهلوی که همطراز و هم آهنگ خداینامه بود، به فارسی امروزی ترجمه کردند - این ترجمه نیز مفقود گردیده است.

25— Colpe : WBM. S. 176 + Hinz : Zarathustra, S. 9—22

26— Colpe : WBM. S. 176

27— Colpe: WBM. S. 176.

مهمترین اثری که از ترجمه ابن مقفع موجود است، اشاره‌ای به تاریخ ساسانیان در کتاب «المعاریف» اثر ابن قتیبه و در کتاب «نظم الجواهر» اثر «اویتیخیوس» نویسنده مسیحی است.^{۲۸} نشانه‌ها و اشاراتی از خداینامه توسط مورخینی مانند ثعلابی، یعقوبی، حمزه اصفهانی و فردوسی برای ماب‌جای مانده است.^{۲۹} طبری و مسعودی و دینوری از جمله مورخینی بوده‌اند که از ترجمه عربی ابن مقفع از خداینامه پهلوی بهره‌گرفته‌اند.

فردوسی حماسه سرای بزرگ طوس بدون تردید از نوشته پهلوی خداینامه و آثار مشابه آن و یا از ترجمه عربی و فارسی خداینامه در تألیف شاهکار ادبی و حماسی خود شاهنامه، استفاده کرده است.^{۳۰} در زمان یزدگرد سوم از کتاب دینی و ارزشمندشایست نشایست فصلهای اول تا دهم نوشته شده و زند (تفسیر) و ندیداد که به «پهلوی - وندیداد» معروف است و نیز تفسیر نیرنگستان، انجام یافته است.

تداوم تألیف و تدوین نوشته‌های پهلوی در دوران اسلامی :

درحین جنگهای بویب (۱۱۹۴ شاهنشاهی = ۶۳۵ میلادی) و قادسیه (۱۱۹۶ شاهنشاهی = ۶۳۷ میلادی) و نهاوند (۱۲۰۰ شاهنشاهی = ۶۴۱ میلادی) نوشته‌های پهلوی « ارداویرافنامه » که بیانگر داستان شخصی است که برای آوردن خبر از جهان باقی و کم و کیف آن سرابه مدت هفت شبانه‌روز به‌دیار باقی فرستاده شده است و متن پهلوی « آیتکار زیران » و « ویس و رامین » نوشته

28— Colpe: WBM. S. 176. .

29— Colpe: Sassaniden, S. 86.

30— Colpe : Sassanides , S. 86.

شد. ^{۳۱} در زمان خلافت بنی‌امیه (۱۲۲۰-۱۳۰۸ شاهنشاهی = ۶۶۱-۷۴۹ میلادی) و همنیشت (بهمنیشت) و تفسیر آن یعنی زند و هومن یسن و سوتگرنسک، جاماسپ‌نامه و «آیتکار جاماسپیک» تألیف شد. ^{۳۲}

پس از حمله اعراب به ایران و مهاجرت برخی از پیروان دین زرتشت به هندوستان (در نیمه دوم سده سیزدهم شاهنشاهی برابر نیمه اول سده هشتم میلادی) هنگامی که تازیان بر تمام ایران به جز طبرستان حکومت می‌کردند، نوشتن متن‌های پهلوی کماکان دنبال شد. روایت است که خاندان برمکی در سالهای ۱۳۱۱-۱۳۶۳ شاهنشاهی (۷۵۲-۸۰۴ میلادی) در زمان عباسیان (۱۳۰۸-۱۸۱۷ شاهنشاهی = ۷۴۹-۱۲۵۸ میلادی)، از پیروان زرتشت حمایت می‌کردند. ^{۳۳}

پس از سال ۱۳۳۴ شاهنشاهی (۷۷۵ میلادی) نوشته معروف «شهرستانهای ایران» که یک متن پیرارزش درباره جغرافیای تاریخی ایران بشمار میرود نوشته شده است. ^{۳۴}

در زمان مأمون خلیفه عباسی (۱۳۷۲-۱۳۹۲ شاهنشاهی = ۸۱۳-۸۳۳ میلادی) شخصی به نام آذر فرنیغ پور فرخزاد کتاب سوم و پنجم دینکرد و متن پهلوی «گجستک ابالیس» را نوشت و پس از آن «آذرباد امدان» در سال ۱۴۴۰ شاهنشاهی (۸۸۱ میلادی) تمام نوشته دینکرد را به صورت مجموعه‌ای کامل تدوین و نونگاری کرد.

31— Colpe: WBM.S. 176.

32— Colpe: WBM. S. 176.

33— Colpe: WBM. S. 177.

34— Nyberg: A Manual of Pahlavi, 113—117. Colpe: WBM. S. 177.

در زمان المعتمد (۱۶۵۱ - ۱۶۶۱ شاهنشاهی = ۸۹۲ - ۹۰۲ میلادی) منوچهر برادر زاتسپرام پیشوای دینی، کتاب « دادستان دینیک » را نگاشت. در همان زمان کتاب « ویجیتکیمهای زاتسپرام » به وسیله برادر او تألیف شد.^{۳۵}

در زمان طاهریان (۱۳۸۰ - ۱۴۰۴ شاهنشاهی = ۸۲۱ - ۸۴۵ میلادی) کتاب « شکندگمانیک ویچار » به وسیله شخصی به نام « مردان فرخ اهورمزدان » نوشته شد. در زمان صفاریان (۱۴۲۰ - ۱۴۵۹ شاهنشاهی = ۸۶۱ - ۹۰۰ میلادی) کتاب « بند هشن » یعنی اساس آفرینش به استناد و با استفاده از مآخذ و یادداشتها و نوشته های پیشین به رشته تحریر درآمد.^{۳۶} در نیمه دوم سده ششم شاهنشاهی (نیمه اول سده اول میلادی) و به روایتی از نیمه اول سده پانزدهم شاهنشاهی (نیمه دوم سده نهم میلادی) ۱۴۲۳ - ۱۵۶۴ شاهنشاهی = (۸۶۴ - ۱۰۰۵ میلادی) کتاب « روایت پهلوی » و نوشته « امد اشاو هیشتن » در زمان سامانیان که خود را زرتشتی و از فرزندان ساسانیان می دانستند، نوشته شد.^{۳۷} نوشته های کوچک و بزرگ دیگری مانند « داروی خورسندی»، زندگینامه گرشاسپ (Legend of Kurusaspa) و متن هایی درباره حکمت و نجوم و آینده شناسی و «ویچرشن چترنگ» و درخت آسوریک به زبان و خط پهلوی تألیف شد. برخی از اندرز - نامه ها مانند پند نامه انوشیروان پورقباد

(Handarz Namak i Anusak ruvan Kvatan)

رانیز مربوط به سده های ۲۱ تا ۲۳ شاهنشاهی (۱۵ تا ۱۷ میلادی)

35— Colpe: WBM., S. 177.

36— Colpe: WBM. S. 177.

37— Colpe: Sassaniden, S. 86.

می‌دانند. ۲۸.

یکی از نوشته‌های معروف و معمول در میان زرتشتیان ایران و پارسیان مقیم هندوستان، نوشته سدر است. از این نوشته درباره عادات و آداب و آیین‌های دینی در برگزاری مراسم مختلف بهره گرفته می‌شود. محتوای سدر بیشتر درباره مراسم کفن و دفن، پرورش آتش و آب و گیاهان، آداب و رسوم دیگر دینی و وظائف پیروان زرتشت از کودکی تا پایان زندگی، توصیه در امر بخشش و جوانمردی و پرهیز از دروغ و آزردن جانوران سودمند و عناصر گرامی در آیین زرتشت (مانند: آب، آتش، باد، خاک) و غیره است.

مطالب سدر چکیده‌ای از مطالب و نذیراد و شایست‌نشایست و دیگر منابع هم‌مطراز و هم‌آهنگ دینی است.

پیشینه سدر را به زمان ساسانیان و به آذرباد مهر اسپندان روحانی زمان شاپور دوم نسبت می‌دهند. روایت است که بعد از آذرباد، پسر او زرتشت در پرورش و تکمیل این اثر مهم همت گماشت در دوران سلجوقیان (۱۷۴۵-۱۵۹۷ شاهنشاهی = ۱۱۸۶-۱۰۳۸ میلادی) شاهزادگان سلجوقی که بیشتر نامهای ایرانی (زرتشتی به ویژه مربوط به زمان ساسانیان) داشتند، در پرورش و نو نگاری این نوشته مهم همت گماشتند و این وظیفه را به نحو احسن انجام دادند. سدر در دو بخش، سدر نظم و سدر نثر که دارای يك محتوا و بخش دوم سدر بندهشن است که از کتاب اساس آفرینش که به خط پهلوی بود تقسیم شده است. در بسیاری از موارد (درها یا بندها) مطالب سدر نثر و سدر بندهشن هم‌آهنگی وجود دارد.

۳۸- آذرگشسب : اندرنامه ص ۱۵-۱۷

توضیح برای پانویس شماره (۱) : زاتسپرام و منوچهر دو پیشوای دینی زرتشتی در هیرکان (گرگان) و کرمان بوده‌اند. زمان زندگی آنها را بین نیمه اول سده پانزدهم شاهنشاهی (نیمه دوم سده نهم و ربع آخر سده شانزدهم شاهنشاهی) (ربع اول سده دهم میلادی) گزارش کرده‌اند.

مآخذ دوم برای پانویس شماره ۴ 118, 92, 31 Nyberg: A Manual of Pahlavi, P.

سرگرد مراد اورنگ در کتاب خود تحت عنوان «سدر» به تفصیل درباره سرنوشت و پیشینه این کتاب و تلاشهای پارسیان در نگهداری و پرورش آن سخن گفته و آنرا از فارسی - گجراتی به فارسی امروز برگردانده است .

منابع و مآخذ

- 1— Christian Bartholomae: Altiranisches Worterbuch, Strassburg 1904.
 - 2— Kay Barr: Die = Religion der alten Iranier, in: Handbuch der Religions—Geschichte, Band 2, Gottingen 1972.
 - 3— W. Brandenstein + M. Mayrhofer: Handbuch des Altpersischen, Wiesbaden 1964 .
 - 4— Carsten Colpe: Uberlegungen zur Bezeichnung «Iranisch» fur die Religion der Partherzeit, in : ZDMG, suppl. 1, Teil 3, S. 1011—1029.
 - 5— Carsten Colpe: Sassaniden, in: Lexikon der Islamischen Welt, Band 3 1974, S. 85—86.
 - 6— Carsten Colpe: Worterbuch der Mythologie, Lieferung 12, Stuttgart 1975.
 - 7— Mary Boyce: Der spate Zoroastrismus, in: Handbuch der Religionsges—chichte Band 2, Gottingen 1972, S. 359—372.
 - 8— W. Hinz: Zarathustra, Stuttgart, 1961.
 - 9— A. Khodadadian: Abzohr und Ataszohr, in : Worterbuch der Mythologie, Lieferung 12, Stuttgart 1975, S. 228—229.
 - 10— Henrik—Samuel Nyberg: A Manual of Pahlavi, Wiesbaden 1964.
 - 11— Ursula Schelm — Spangenberg: Geschichte zum Nachschlagen, Koln und Braunschweig, 1969.
 - ۱۲— اردشیر آذرگشنسب: اندرزنامه‌های پهلوی، تهران ۲۵۲۶ شاهنشاهی برابر ۱۳۴۶ خورشیدی
 - ۱۳— مشیرالدوله ، حسن بیرنیا : تاریخ ایران باستان ، جلد اول ۲۴۹۱ شاهنشاهی (۱۳۱۱ خورشیدی)
 - ۱۴— عزیزاله بیات: کلیات تاریخ و تمدن ایران پیش از اسلام، تهران ۲۵۳۵ شاهنشاهی چاپ دانشگاه ملی ایران
- توضیح درباره علامتهای اختصاری منابع و مآخذ دریا نویس ها :
- HB = Handbuch (Handbuch der Religionsgeschichte Band 2 Gottinge, 1972.)
- WBM = Worterbuch der Mythologie, Stuttgart 1975 (Lieferung 12).
- G. Z. N. = Geschichte zum Nachschlagen, Koln und Braunschweig, 1969.
- Anm. = Anmerkung.